

کبک زخمی

دکتر حسین امین اوزتورک

مترجم: آنادردی کریمی



دیباچه

«کبک زخمی» داستانی جالب و جذاب از زندگی پسر بچه‌ای به نام «ویسل» با کبکی است. ویسل در یکی از روستاهای ترکیه زندگی می‌کند.

بارها با خود اندیشیده‌ام که چرا دربرگردان داستان‌های بلند و کوتاه، دیده به آن سوی آب‌ها دوخته‌ایم اما از فرهنگ و احوال و ادب همسایگان خویش بی‌خبریم.

به هر روی، در درازای تاریخ و گستره‌ی جغرافیا ترکیه همسایه‌ی ماست، هرچند آثاری از نویسندگان شهره‌ی آن به پارسی درآمده اما از دنیای ادبیات کودکان و نوجوانان آن ناآگاهیم.

هنگامی که برگردان کتاب به دستم رسید، با شوق آن را خواندم. نویسنده‌ی کتاب دکتر حسین امین اوزتورک در سال ۱۹۵۶ در قیصریه‌ی ترکیه زاده شد. در آن شهر به دبستان و دبیرستان رفت و رشته‌ی زبان و ادبیات ترکی را در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه آتاتورک به پایان رساند.

از انستیتوی علوم انسانی دانشگاه ساکاریا در رشته‌ی جامعه‌شناسی به اخذ درجه‌ی دکترا نائل شد.

رساله‌ی دکترای او «تأثیرات تلویزیون در اجتماعی شدن کودک» نام داشت.

او زتورک سال‌ها در مدیریت موسسات مذهبی و اوقاف ترکیه و نیز مدیریت رادیو و تلویزیون به نشر اندیشه‌های خویش پرداخت. از او بسیار کتاب‌های شعر و داستان برای کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده است.

داستان بره‌ی حنایی این نویسنده در مسابقه‌ی داستان‌های کودکان مجله گرچک (حقیقت) مقام نخست را در سال ۱۹۸۸ کسب کرد. او در همین سال از سوی انجمن نویسندگان ترکیه در بخش ادبیات کودکان به عنوان نویسنده‌ی سال برگزیده شد.

«کبک زخمی» که اینک به پارسی نشر می‌یابد، برنده‌ی جایزه‌ی دوم مسابقه‌ی ادبیات کودک وزارت فرهنگ و هنر ترکیه شد.

کبک زخمی داستانی است برای کودکان و نوجوانان، اما برای خوانندگان و شیفتگان ادب در هر سن و سال، خواندنی است. سال گذشته در دیداری که در نمایشگاه جهانی کتاب با ناشر این کتاب روی داد، ناشر محترم با خرسندی و مهربانی اجازه‌ی برگردان این کتاب را اعلام داشت.

نشر این کتاب توسط مترجم محترم آنادردی کریمی انجام گرفت اما ویرایش و بازآفرینی آن مدیون تلاش سرکار خانم مهرنوش نقش است.

امیدوارم نشر این کتاب پلی باشد برای پیوند و پیوستن دل‌ها، برای آگاهی از زندگی، شعله‌ای باشد برای آشنایی با بیم‌ها و امیدها، غم‌ها و شادی‌های مردمی که در همسایگی ما می‌زیند.

کار هنر و ادب مگر پرواز در آسمان مهر و دوستی نیست؟ در آسمانی که مرزی نیست.

زبان‌ها، زمان‌ها و رنگ‌ها، زمینی‌اند و در آستانه‌ی آن آسمان زیبای ابدی، خداوندگار سخن، حضرت مولانا چه خوش می‌سراید که: همدلی از هم‌زبانی خوش‌تر است...